

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	صفحات	۱-۱۴
------------	------	--------------	-------	------

## بررسی و ارزیابی عوامل موثر در میزان مسئولیت مدنی پلیس ناشی از وقوع فعل زیان بار بر اساس قواعد موجود

خانم لیلا سلیمانی علیار، آقای دکتر بابک رضاپور و آقای دکتر میثم اسلامی

دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، اردبیل، ایران

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، ارومیه، ایران.

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین، تهران، ایران.

### چکیده

مسئولیت مدنی پلیس به عنوان نهادی که وظیفه تأمین امنیت و نظم عمومی را بر عهده دارد، از اهمیت بسزایی در ساختار حقوقی هر کشور برخوردار است. این مقاله درصدد بررسی مبانی نظری و قانونی مسئولیت مدنی پلیس در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با حقوق فرانسه است. در این راستا، ارکان مسئولیت مدنی شامل ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت به صورت دقیق تحلیل شده و نقش زیان دیده در فرآیند احراز مسئولیت بررسی شده است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، آراء قضایی و متون حقوقی، به تحلیل تطبیقی قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی پرداخته و سعی کرده است با بررسی عناصر مشترک و متمایز در دو نظام حقوقی، چارچوب روشن تری از مسئولیت پلیس ترسیم کند. در این تحقیق روشن می‌شود که نظام حقوقی ایران با بهره‌گیری از قواعد فقهی نظیر اتلاف، تسبیب، قاعده لاضرر و قاعده اقدام، در عین شباهت‌هایی که با نظام‌های غربی در اصول کلی دارد، تفاوت‌هایی بنیادین نیز بین استناد و نحوه انتساب ضرر به عامل زیان دارد. نقش زیان دیده، به‌ویژه در مواردی که با قصور یا بی‌احتیاطی خود در تحقق فعل زیان بار مؤثر بوده، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش یا رفع مسئولیت پلیس گردد. این مسأله تحت قواعدی همچون تقصیر مشترک یا تقصیر مقایسه‌ای در نظام‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. براساس یافته‌های تحقیق، این مقاله با اشاره به معیار عرفی در احراز رابطه سببیت و تأکید بر اهمیت عنصر عدالت، پیشنهادهایی برای تقویت نظام مسئولیت‌پذیری و جلوگیری از سوءاستفاده از اختیارات پلیس ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، تقصیر، زیان دیده، پلیس، حقوق تطبیقی، رابطه سببیت، حقوق ایران، حقوق فرانسه.

طبقه‌بندی: JEL فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

## Investigating and evaluating the effective factors in the level of civil liability of the police due to the occurrence of a harmful act based on the existing rules

Leyla Soleymani Aliar, Babak Rezapour, and Mysam islami

### Abstract

The civil responsibility of the police, as an institution responsible for ensuring security and public order, is very important in the legal structure of any country. This article aims to examine the theoretical and legal foundations of the civil responsibility of the police in Iran's legal system and compare it with French law. In this regard, the elements of civil liability, including loss, harmful act, and the relationship of causation, have been analyzed in detail and the role of the victim in the process of establishing responsibility has been investigated. The current research, with a descriptive-analytical approach and using library sources, judicial opinions and legal texts, has done a comparative analysis of the rules governing civil responsibility and has tried to draw a clearer framework of police responsibility by examining the common and distinct elements in the two legal systems. In this research, it becomes clear that Iran's legal system, by using jurisprudential rules such as loss, attribution, the rule of harmlessness and the rule of action, while it has similarities with the western systems in general principles, also has fundamental differences between the citation and the way of attributing loss to the cause of loss. The role of the victim, especially in cases where he was effective in realizing the harmful act through his negligence or carelessness, can be the basis for reducing or removing the responsibility of the police. This issue has been considered under rules such as joint fault or comparative fault in different systems. Based on the findings of the research, this article provides suggestions to strengthen the accountability system and prevent the abuse of police powers by referring to the customary criteria in determining the causality relationship and emphasizing the importance of the element of justice.

**Keywords:** Civil liability, the fault, damaged, Police, Comparative law, causal relationship, Iranian rights, French law.

## متن مقاله

انسانی از جمله تقصیر و عمد را در بروز فعل زیان بار بایستی مدنظر قرار داد [۴]. در حقوق اسلام برخلاف نظام های حقوقی غربی تجزیه و تقسیم مسئولیت پذیرفته شده است و "اقدام" زیان دیده در ورود زیان به خود، لزوماً او را بطور کامل از دریافت خسارت محروم نمی کند و بررسی می شود که آیا زیان ایجاد شده به لحاظ عرفی منتسب به عامل زیان یا زیان دیده یا هر دوی آنهاست و اگر منتسب به هر دو بدانند حکم به تقسیم مسئولیت بین آن دو می کند. همچنین شرط تاثیر اقدام زیان دیده بر مسئولیت عامل زیان، علاوه بر رابطه سببیت، اینست که عامل زیان عمد نداشته باشد و اقدام او محرک و باعث اقدام زیان دیده نباشد. برخلاف نظام های حقوقی غربی، در حقوق اسلام و ایران، تقصیر زیان دیده شرط تاثیر اقدام او بر مسئولیت عامل زیان نیست. در این زمینه حقوق اسلام از حقوق رم و نظام های غربی پیشرو بوده و امری که نظام های حقوق غربی در نیمه قرن بیستم به آن رسیده اند در حقوق اسلام از قرن ها قبل وجود داشته است [۵]. فرض مشارکت زیان دیده و پلیس در ورود ضرر پیچیده ترین فرض بیان شده است. به طوریکه، رویه قضایی در این خصوص از نظر واحدی پیروی نکرده و از حیث شیوه عمل و احراز تقصیر زیان دیده و پلیس، اموری از قبیل توجه به معیارهای قانونی، مهدورالدم بودن را مورد توجه قرار داده است [۶]. احراز رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه مجرمانه به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده ی عنصر مادی جنایات و نیز میان فعل زیانبار و خسارت وارد شده بعنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی مبتنی بر یک الزام قانونی می باشد اما مشکل در طریقه احراز این انتساب است بویژه در مواردی که چند عامل در وقوع جرم یا خسارت مداخله داشته باشد و نحوه دخالت نیز طولی (غیرهمزمان) باشد. در همین راستا، چنین نتیجه گیری کردند که برای احراز رابطه سببیت باید به نوع مداخله عوامل و اینکه نوع رفتار مرتکبان در قالب تعداد اسباب است یا تعداد مباشر و یا اجتماعی از هر دو، مدنظر قرار داد و سپس با استناد به ماده های مورد بحث راهکاری را تجویز نمود [۷]. وگن در سال ۱۹۹۴ مطالعه ای را با هدف بررسی مسئولیت مدنی پلیس در قبال رها شدن در مناطق دارای جرم و جنایت و سایر موقعیت های پرخطر انجام داد.

در زمینه مسئولیت مدنی دو نظریه کلی ارائه شده است: نظریه بدون تقصیر و نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر. مبنای مسئولیت مدنی در حقوق اروپایی، تقصیر عامل زیان یا خطری که ایجاد نموده یا تضمین قانون گذار در حمایت از حقوق اشخاص است. حقوق مسئولیت مدنی در ایران آمیزه ای از حقوق اسلام و اروپاست. با توجه به تعدد مبنای مسئولیت در نظام های حقوقی بویژه نظام حقوقی ایران، مبنای مسئولیت مدنی را می توان مبتنی بر سه عامل زیان رسان، زیان دیده و خودزیان دسته بندی کرد. مبنای مسئولیت مدنی ذیل ارکان سه گانه یعنی ضرر، زیان رسان و زیان دیده مورد بحث قرار می گیرد [۱]. براساس قواعد مسئولیت مدنی، برای تحمیل مسئولیت جبران خسارت بر اشخاص، در نظر گرفتن سه رکن اصلی؛ ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت میان ضرر وارده و فعل زیانبار ضروری است [۲]. مسئولیت مدنی به معنی عام، مترادف ضمان قهری است، ولی مسئولیت مدنی به معنی خاص که ترجمه اصطلاح فرانسوی *Responsabilite civil* است عبارت است از تکلیف شخص به جبران زبانی که بر اثر عمل نامشروع (به جز غصب) به دیگری وارد شده است. مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری به کار می رود که عبارت است از الزام شخص به تحمل یک مجازات کیفری، هنگامی که با بزهکاری خود نظم اجتماعی را مختل کرده است انجام عملی که شخص نباید مرتکب شود (تعدی) یا ترک عملی که شخص می بایست انجام دهد (تفریط) را تقصیر گویند [۳].

هیچ نظریه علمی و فلسفی نمی تواند بطور قاطع بر مسائل گوناگون رابطه سببیت باشد و تنها می تواند بعنوان اصول راهنما مورد توجه باشد. در بررسی مسئولیت مدنی، کسی مسئول قرار گیرد که بین فعل او و ایجاد ضرر رابطه سببیت عرفی و معقول وجود داشته باشد و این کاوش قاعده نمی پذیرد. دادرس باید با مهارت و با دخالت دادن عنصر عدالت به انتخاب سبب حادثه پردازد و به نقش مقراض قضاوت در تشخیص رابطه سببیت و در نهایت مسئول حادثه، غیرقابل انکار است. همچنین، باید سهم عوامل

های قضایی و دیدگاههای حقوقی به بررسی و تطبیق دو نظام حقوقی ایران و فرانسه در مورد نقش تقصیر زیان‌دیده در مسئولیت مدنی پلیس پرداخته می‌شود. در این راستا همچنین از طریق جستجوی آخرین مطالعات انجام گرفته در سرتاسر دنیا با استناد به منابع و پایگاههای اطلاعاتی معتبر ملی و بین‌المللی آخرین رویه‌ها و دیدگاههای پذیرفته شده در پاسخ به سوالات و فرضیات تحقیق و همچنین کاربردی سازی اهداف مطالعه در نظر گرفته خواهد شد [۱۱، ۲].

### ۳. نتایج و بحث

در بررسی قواعد و مباحث پیرامون مسئولیت مدنی در ابتدا مبانی که در زمینه خسارات و ضمان مبتنی بر آن مطرح می‌باشد و هر یک از این قواعد در نظام های حقوقی مختلف از جایگاه خاصی برخوردار است مورد بررسی قرار گرفت.

#### ۳-۱. مبانی و قواعد موجود در انواع خسارات و مسئولیت مدنی

بطور معمول دو دسته بندی در زمینه خسارات و ضمان مبتنی بر آن وجود دارد:

۳-۱-۱. ضمانی که در آن نیازی به رابطه علیت نیست و بدلیل وجود برخی شرایط، بدون وجود رابطه سببیت و به صرف در اختیار داشتن مال دیگری و حتی بدلیل قوه قاهره خسارتی بوجود آمده باشد، بازهم ضامن جبران خسارت خواهد بود. در این گونه خسارات، نیازی به رابطه علیت و سببیت و اثبات آن وجود ندارد و موارد اندکی را شامل می‌شود. قاعده "علی الید" یا ضمان ید یکی از قواعد فقهی در باب ضمان قهری می‌باشد که رابطه علیت در آن نقشی ندارد. براساس ماده ۳۰۹ قانون مدنی موضوع "ممانعت" مشمول ضمان غیرمبتنی بر رابطه علیت نیست؛ زیرا ممانعت از موضوعاتی است که زیرمجموعه مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد و در آن وجود رابطه علیت ضروری است. و باید یا از طریق اتلاف یا تسبیب، مسئولیت وی اثبات گردد [۱].

۳-۱-۲. ضمان مبتنی بر رابطه سببیت: دسته دوم خسارات، مواردی است

براساس انالیزی که در این تحقیق انجام گرفت پیشنهاد گردیده تا راهنمای سیاست گذاری برای پرسنل پلیس به منظور اجتناب از مسئولیت رها نمودن شهروندان در مناطق با جرم بالا یا سایر موقعیت های با ریسک بالا ضروری است [۸]. لی و همکاران در سال ۲۰۱۰ به بررسی فاکتورهای سازمانی منجر به مسئولیت قدرت کشنده (مرگبار) پلیس در آمریکا پرداختند. این مطالعه که به طور ویژه بر استفاده پلیس از سلاح های گرم در موقعیت های مرگبار تمرکز دارد، بر این امر مهم که چطور بی نظمی سازمانی و مدیریتی بر تصمیم گیری دپارتمانی اثر می گذارد تاکید می کند. محققین، گزارش کردند که اصول مدیریتی از قبیل، تقسیم کار، سلسله مراتب اقتدار و اختیارات، دامنه کنترل، وحدت فرماندهی، و ارتباطات برای تشریح شلیک های بد مورد استفاده قرار می گیرند که منجر به مسئولیت بالقوه پلیس می شود [۹]. پلیس اداری به عنوان وظیفه ای برای تأمین نظم عمومی یک مفهوم فرانسوی است که شرایط اساسی برای اعمال حقوق و آزادی ها را فراهم می کند. دوگانگی نظم عمومی و وجود نظم عمومی و نظم عمومی خاص منجر به دوگانگی پلیس اداری می شود. از این رو، هم پلیس عمومی و هم پلیس ویژه توسعه یافته است. پلیس اداری به منظور تأمین نظم عمومی، ناگزیر آزادی ها را محدود می کند، واقعیتی که اهمیت محدود کردن مقامات پلیس را به منظور نظارت آسان بر آنها نشان می دهد. به وجود آمدن سیاست های ویژه ای که هدفشان ترتیباتی برای دعاوی حق است، گام دیگری به سوی آزادی های مشروع تر است، زیرا این سیاست ها موظف به پیروی از رویه های خاصی هستند [۱۰].

### ۲. روش اجرا

یکی از روش های گردآوری داده ها به منظور ایجاد اساس منطقی جهت شکل دهی به مسیر تحقیق و استخراج پیشینه تحقیق بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای است که ملاحظه تحقیق حاضر می باشد. براساس مطالعه کتابخانه ای و با استفاده از فیش برداری و بررسی قوانین، رویه

از "اتلاف" باشد که شباهت ظاهری با نظریه خطر دارد و یا اینکه مسئولیت ناشی از "تسبیب" است که شباهت با مسئولیت مبتنی بر تقصیر دارد. اما مسئولیت ناشی از اتلاف و تسبیب مبتنی بر مبنای واحدی است. بویژه اینکه فقها هر دو موضوع را تحت یک قاعده اتلاف بالتسبیب و بالمباشرة بحث می نمایند. نظریات خطر و تقصیر از محور قرار دادن زیانرسان به دست می آید و در مقابل نظریه اتلاف و تسبیب با محوریت انتساب ضرر است و بر این اساس هیچ ضرری بدون جبران نمی ماند. لزوم جبران ضرر قدیمی ترین بنیانی است که در مسئولیت مدنی از دیرباز به جا مانده و همه قواعد دیگر از این منبع سرچشمه گرفته است. نظریه قابلیت استناد می تواند به عنوان مبنای منحصر مسئولیت مدنی در یک نظام حقوقی مورد استفاده قرار گیرد [۱۱، ۱].

براساس نظریه قابلیت انتساب، مبنای مسئولیت مدنی، قابلیت انتساب زیان به عامل زیان است. ملاک احراز قابلیت انتساب هم رابطه سببیت عرفی است. در حقوق ایران نیز قابلیت انتساب به شکل بهی می تواند مسئولیت مدنی را توجیه کند. در نظام های غربی مثل حقوق فرانسه و نظام حقوقی کامن لا، هر چند اصولاً مسئولیت بر نظریه تقصیر استوار شده ولی در مواردی مسئولیت بدون تقصیر نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. در نظریه قابلیت انتساب رابطه سببیت بین "زیان" و "عامل زیان" مدنظر قرار گرفته است. در دامنه نظریه قابلیت انتساب، سه حوزه قابل بررسی است، قواعد عام مسئولیت مدنی، غصب، و مسئولیت قراردادی. نظریه قابلیت انتساب می تواند تمام قواعد فقهی و حقوقی در خصوص مسئولیت مدنی، از قبیل اتلاف و تسبیب، لاضرر و غرور را توجیه کند. زیرا در قواعد مذکور، رابطه سببیت همواره مورد توجه شارع یا قانونگذار است و حتی در قواعد مسقط ضمان، مانند اقدام و قوه قاهره نیز علت سقوط ضمان، قله رابط سببیت و قابلیت انتساب است. نظریه قابلیت انتساب می تواند هم مسولیت قراردادی و هم مسئولیت خارج از قرارداد را توجیه کند. با پذیرش نظریه قابلیت انتساب، دیگر ضرورتی به تفکیک مسئولیت قراردادی از مسئولیت خارج قرارداد نیست. احراز رابطه سببیت عرفی می تواند بعنوان ملاک اصلی احراز قابلیت انتساب مورد استفاده قرار گیرد.

که در آن وجود رابطه علیت، برای تعیین ضامن ضروری است در اینحالت سه رکن در خسارت وجود دارد؛ زیانرسان، زیاننده و رابطه سببیت. ۱-۲-۳-۱-۳-۱-۳. مبنای مبتنی بر زیانرسان: غالباً آن دسته از مبنای که توسط حقوقدانان غربی تئوری سازی شده است، باتوجه و تمرکز بر زیانرسان و شرایط او ارائه شده است. چه اینکه در مبنای تقصیر و خطر و همچنین نظریات مختلط، از تقصیر یا عدم آن به عنوان اصل اساسی به منظور شناخت ضامن و مسئول جبران خسارت یاد شده است و تقصیر موضوع و شرطی است که در فرد زیان رسان باید یافت شود و در این حالت به خود زیاننده یا شرایط دیگر توجهی نمی شود. قرار دادن تقصیر یا عدم آن به عنوان مبنای مسئولیت مدنی موجب می شود خود فرد زیانرسان محور قرار بگیرد و از همین نقطه است که تفاوت ریشه ای این نظریات و بویژه نظریه مختلط با نظریه ضمان در اسلام مشخص می شود. چرا که در فقه اسلامی، محور در جبران خسارت خود ضرر است و تقصیر زیانرسان رکن اساسی محسوب نمی شود، اگرچه که تقصیر زیانرسان می تواند نشانه ای بر رابطه سببیت باشد [۱].

۲-۳-۱-۳-۱-۳. مبنای مبتنی بر زیاننده: در مورد رکن زیاننده دوحالت متصور است. اینکه آیا حق زیاننده تضمین شده است یا نه. در مورد حقوقی که مورد تضمین قرار گرفته است، همین که به این حقوق زبانی وارد شود، فردی که ضرر را وارد آورده هر چند که تقصیری نداشته باشد، ملزم به جبران خسارت است. مبنای تضمین حق در مبنای مسئولیت مدنی بر همین اساس مطرح شده و معیار آن، حق تضمین شده است بدین ترتیب مبنای تضمین حق ذیل این رکن می گنجد. زیاننده از جهات مختلف در کانون توجه مسئولیت مدنی قرارداد و حقوق معاصر بنا به دلایل مختلف بیشتر متوجه زیاننده است تا واردکننده زیان. حتی عده ای از حقوقدانان بر این باورند که مبنای اصلی مسئولیت مدنی تضمین حقوق زیاننده و حمایت از وی است. چرا که مهم ترین هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با زیاننده جبران خسارت است [۱، ۱۶].

۳-۲-۱-۳-۱-۳. مبنای مبتنی بر قابلیت انتساب (نظریه اسلامی): مسئولیت در فقه تحت عنوان "ضمان" مطرح گردیده است. مسئولیت می تواند ناشی

- تنها دلیلی که می تواند مسئولیت کسی را نسبت به جبران خسارتی توجیه کند وجود رابطه علیت میان تقصیر او و ضرر است.

- این نظریه که خاستگاه غربی نیز دارد، مبتنی بر این باور است که مسئولیت انسان در جایی است که خطایی مرتکب شده است. ادعا شده است که بدیهی ترین و عقلانی ترین مبنای مسئولیت خطای عامل ورود زیان است.

[۱، ۱۶]

نظریه خطر (مسئولیت بدون تقصیر)

- نظریه خطر یک نظریه موسع یا عینی (نوعی) است و بدنبال عدم کفایت نظریه تقصیر در حل ناتوانی آن در حل مشکلات حقوقی جامعه و در نتیجه مسائل مسئولیت مدنی بوجود آمد.

- این نظریه شباهت به نظریه "نفی ضرر" است که مبنای مسئولیت مدنی در حقوق اسلام است. اما دارای تفاوت های ریشه ای و بنیادین است. چرا که این نظریه مبتنی بر زیانرسان است و نظریه اسلام مبتنی بر خود ضرر می باشد.

- یکی از مهم ترین عواملی که باعث انتقاد از نظریه تقصیر و تمایل به نظریه خطر گردید تاثیر مکتب تحقیقی ایتالیا درباره مسئولیت کیفری بود. - با حذف تقصیر از زمره ارکان مسئولیت مدنی دعوی جبران خسارت آسان تر به مقصود می رسد و زیان دیده از اثبات تقصیر معاف می شود. - در این دیدگاه آنچه مهم است درستی یا نادرستی فعلی که باعث ورود ضرر شده نیست بلکه انتساب ضرر به فعل خواننده است.

- براساس طرفداران این نظریه، یکی از دستاوردهای مثبت نظریه خطر پدید آوردن هم بستگی اجتماعی و احساس مسئولیت افراد در قبال دیگران عنوان شده است.

- بر مبنای نظریه خطر، ملاک و معیار مسئولیت، رابطه سببیتی است که بین فعالیت شخص و زیان وارده به دیگری وجود دارد. در این سیستم هر کس که بر اثر عمل خود دیگری را متضرر نماید مسئول شناخته می شود صرف نظر از اینکه رفتارش مشروع بوده یا نبوده باشد.

- مسئولیت افراد در مقابل خسارات ناشی از اشیاء تحت حفاظت آنان نیز

براساس نظریه قابلیت انتساب تمایز تمایز این دو نوع مسئولیت (قراردادی و غیرقراردادی) از یکدیگر ضرورتی ندارد. در حالی که در فرانسه در قانونگذاری های جدید خود به سمت محو تمایز مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد پیش می روند (۱۲). ویژگی ها، نقاط قوت و ضعف هر یک از نظریه های مطرح در مبنای مورد اشاره در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ویژگی ها، نقاط قوت و ضعف پاره ای از نظریه های مطرح در مبنای ضمان مبتنی بر رابطه سببیت

نظریه

مبنای و ویژگی ها

رفرنس

مبنای مبتنی بر زیانرسان

نظریه تقصیر

- قدیمی ترین نظریه در حقوق اروپا و از مبنای مطرح در مسئولیت مدنی با تاکید و محوریت فرد زیان رسان می باشد

- اصل بر عدم تقصیر است و اثبات تقصیر عامل زیان بر عهده زیان دیده است.

- این نظریه مبتنی بر این باور است که مسئولیت انسان در جایی است که خطایی مرتکب شده باشد. این مبنا تحت تاثیر مبنای مسئولیت کیفری و همچنین آرمان اخلاق گرایی است.

- اصل برائت بر اعمال انسان ها حکومت می کند. و براین اساس نمی توان فعل شخص خاطی و غیرخاطی را یکسان شمرد و این خلاف عدالت است. - ناظر بر رکن "فعل زیان بار" هستند.

- براساس نظریه تقصیر، در مواردی که عامل زیان مرتکب تقصیر نگردیده یا تقصیر وی به اثبات نرسیده، از پرداخت خسارت معاف خواهد بود. این مساله با کاهش قلمرو مسئولیت مدنی، اصل جبران خسارت را محدود می سازد و مهم ترین ایرادی است که بر این نظریه وارد است.

نتیجه همین نظریه است.

- ناظر بر رکن "فعل زیان بار" هستند و دشواری اثبات رابطه سببیت (بویژه هنگامی که چندین علت در ماجرا مطرح باشند اثبات رابطه علیت دشوارتر از تقصیر است) از نقاط ضعف این نظریه است.

- حمایت جانبدارانه از زیان‌دیده و غافل از حال عامل زیان است

- برای مسئول دانستن عامل زیان باید مبنایی یافت و این مبنا نباید به گونه ای انتخاب شود که بدون وجود تقصیر، عامل زیان را ملزم به جبران خسارت نماید

[۱۲، ۱۱، ۱]

نظریه های مختلط

- از تلفیق نظریه خطر و تقصیر می باشند و بعبارتی نظریه هایی در طیفی مابین نظریه تقصیر و خطر هستند.

- برخی از این نظریات مانند تقصیر عرفی یا کار نامتعارف به نظریه تقصیر نزدیک می شوند و برخی دیگر همانند نظریه خطر در برابر انتفاع به نظریه خطر تمایل دارد.

- رکن اساسی این نظریه ها زیان‌رسان است.

- نحوه تقسیم در این نظریه ها مورد انتقاد است. بدین معنا که چه بخشی به نظریه تقصیر و چه بخشی به نظریه خطر اختصاص می یابد و اینکه معیار و ملاک این تقسیم بندی بر چه اساسی است. اگر به نسبت مساوی قابل تقسیم است، کدام بخش به کدام نظریه مربوط است.

[۱].

مبانی مبتنی بر زیان‌دیده

نظریه تضمین حق

- مبتکر این نظریه "بوریس استارک" است. این نظریه بر این باور استوار است که نظریه تقصیر و ایجاد خطر به ارزیابی رفتار عامل زیان پرداخته و از هدف اصلی مسئولیت مدنی که جبران خسارت زیان‌دیده می باشد، غافل مانده است.

- نظر "استارک" که از جهتی با نظری که در حقوق اسلام درباره اجرا و اعمال حق مطرح شده، شباهت دارد. نظریه "استارک" موجب شد تا به

نظریه نفی ضرر در اسلام نزدیک شوند.

اندیشه حقوقدانان در جهت جبران همه زیان هاست و قالب تقصیر را قالبی نامناسب می بینند و به اشکال مختلف سعی در شکستن این قالب دارند.

- بر رکن "ضرر" و جبران خسارت تاکید دارد.

- ایراد مبنایی و مهم تر این نظریه، خلط حکم وضعی و تکلیفی است.

- هرگاه اعمال حقی ضرورتاً ملازمه با ورود زیان به دیگری داشته باشد، اعمال این حق مباح است (حکم تکلیفی) و مسئولیت جبران خسارت (حکم وضعی) هم به دنبال ندارد. حال آن که حکم به جبران خسارت حکمی وضعی است و هیچ گونه ملازمه ای با حکم تکلیفی مباح بودن اعمال حق ندارد. مصداق بارز نقض نظریه استارک مسئله اضطرار است که براساس نظریه، مضطر تنها در صورتی باید ضامن باشد که در مقام اعمال حق خود مرتکب تقصیر شده باشد، در حالی که می دانیم اضطرار مطلقاً رافع مسئولیت مدنی نیست. در منابع اسلامی از جمله آیات و روایات علاوه بر "ضرر" به "اضرار" نیز توجه شده است و فقها بحث های میسوطی در زمینه مفهوم "اضرار" داشته اند. شاید بتوان گفت در این قبیل حقوق، اصل بر عدم ضمان است، مگر آنکه قصد اضرار باشد. البته باید توجه داشت که قصد اضرار باید توسط مدعی آن ثابت شود. این حقوق واجد بعضی مصالح اجتماعی است و ذی حق در اعمال آن نیازمند توجیه عمل خود نخواهد بود

[۱۲، ۱]

مبنای نفی ضرر

- از مهم ترین مبانی فقه اسلامی و از مبانی مهم مسئولیت مدنی در حقوق اسلام است. گستره این قاعده در فقه اسلام از محدوده ضمان قهری فراتر می رود و در عبادات و قراردادهای نیز از آن استفاده کرده اند

- تا زمانی که بتوان براساس قاعده اتلاف زیان وارده را مطالبه نمود به این قاعده (اتلاف) تمسک می شود و در صورت عدم صدق استناد به خاطر وجود واسطه هایی در ورود ضرر، سراغ قاعده لاضرر می رویم.

- با توجه به تشبیه آن در مورد معنای لاضرر، این قاعده را به معنای نفی

- یکی از علل مهم تمایز بین اتلاف و تسبیب تفاوت در صدق عرفی و احراز رابطه انتسابی باشد. در اتلاف به معنای خاص، فرد مباشر، مستقیماً اقدام به ورود ضرر به دیگری می کند. در حالی که در اتلاف بالتسبیب مسبب، علت مستقیم حادثه نیست، بلکه زمینه ساز علت است. براساس این نظریه، هرکس سبب خسارت یا تلف مال غیر شود باید از عهده خسارت وارده برآید.

- مواد ۳۳۱ الی ۳۳۵ قانون مدنی به بحث تسبیب اختصاص یافته است - در این نظریه، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه ای دارد. - مشابه نظریه خطر یا مبتنی بر تقصیر؛ اسناد فعل به عامل زیان اهمیت دارد.

- مساله مهم و اساسی در مورد قاعده تسبیب آن است که باید دقت شود اگر تقصیر در این موضوع دخالتی دارد، فقط نقش اثباتی دارد، بدین معنا که تقصیر یک اماره و نشانه مفید برای اثبات وجود رابطه سببیت است وگرنه خود تقصیر در این قاعده موضوعیتی ندارد. - فقهای امامیه نیز این نظریه را مورد نقد قرار داده اند.

[۱، ۱۱، ۱۲]

به طور کلی مبنای قابلیت انتساب ضرر ذیل موضوعات اتلاف و تسبیب یک مبنای جامع و کامل است. با این توضیح که هر ضرری که قابل انتساب به فردی باشد، آن فرد ضامن خسارت وارده است. حال اگر اتلاف، به صورت مستقیم و مباشرت باشد، خود به خود و بدون نیاز به اثبات تقصیر، این ضرر منتسب به فرد ضار است و در مواردی که با سبب مواجه هستیم، باید دید که عرف، ضرر را منتسب به کدام سبب یا اسباب می داند که در صورت تعدد اسباب، اگر سببی عدوانی و مقصر باشد، فقط آن ضامن جبران خسارات است و در غیر این صورت معمولاً با توجه به اینکه تعیین میزان تاثیر در وقوع خسارت برای اسباب کار دشواری است و ممکن است تبدیل به امری سلیقه ای شود، اسباب به صورت مساوی ضامن خسارات وارده خواهند بود. بعلاوه، اگر به تمامی قوانین مرتبط با موضوع مسئولیت

حکم ضرری دانسته و مبنای مسئولیت مدنی در فقه اسلامی از قاعده اتلاف و تسبیب استخراج می شود. چرا که این دو قاعده خود شامل تمام گستره مصادیق مسئولیت مدنی می شود. - تشتت آرا در بین فقهای شیعه در خصوص اثبات ضمان از قاعده لاضرر [۱، ۱۶]

مبنای مبتنی بر قابلیت انتساب (نظریه اسلامی)

مبنای اتلاف

- قاعده ای اساسی در مسئولیت مدنی که از دیرباز در کانون توجه فقها و حقوقدانان بوده است و در موارد عدیده ای اتلاف را موجب ضامن بودن شخص دانسته اند.

- مبتنی بر رابطه سببیت

- فقها قاعده اتلاف را در مورد اتلاف ابدان و اموال هر دو بکار برده اند. همچنین فقها اتلاف را در دو بخش "اتلاف بالمباشره" یعنی تلف کردن مستقیم و بی واسطه و "اتلاف بالتسبیب" یعنی تلف کردن با واسطه و سبب مطرح نموده اند. در قانون مدنی این دو عنوان به صورت مستقل مطرح شده است. آنچه مهم است این است که صدق عرفی تلف، معیار ضامن قرار گیرد و این اتلاف گاهی بر مباشر صادق است و گاهی بر سبب آنچه که در این بند مورد نظر است، اتلاف بالمباشره است و اتلاف بالتسبیب ذیل بند تسبیب می گنجد.

- از این قاعده برای اثبات مسئولیت در تلفات جانی و جراحات و مسئولیت طبیب، بیطار و مانند آن استفاده کرده اند.

- تفاوت قاعده اتلاف و قاعده ضمان ید در این است که در اتلاف، محور مسئولیت، از بین بردن مال دیگری است و این امر ملازمه با تصرف در مال ندارد. ولی در ضمان ید، مسئولیت متوقف بر اتلاف و از بین بردن مال نیست، بلکه صرف وضع ید و تصرف و استیلا بر مال غیر، موجب ضمان می گردد.

- مواد ۳۲۸ الی ۳۳۰ قانون مدنی به بحث اتلاف اختصاص یافته است [۱، ۱۶]

مبنای تسبیب

اجازه داده شود یا اجبار شود تا از وظایف یا اختیارات خود یا منابع اختصاص داده شده به پلیس برای ترویج یا تضعیف احزاب سیاسی یا گروه منافع یا هیچ یک از اعضای یک بخش یا گروه استفاده نماید. پلیس وظیفه دارد تا از حقوق و از همه احزاب سیاسی، اشخاص و سازمان ها به طور یکسان و عادلانه و بدون هراس و علاقه حمایت نماید [۱۳]. اعمال برخی اقدامات خاص توسط پلیس در اجرای برخی اقدامات خاص در نظر گرفته شده برای رسیدگی به وضعیت خاص و نیازهای زنان (باردار و مادران تازه)، نوجوانان، بیماران، افراد مسن و سایر افرادی که نیازمند درمان ویژه هستند منطبق با استانداردهای حقوق بشر بین الملل نباید بعنوان تبعیض غیرقانونی پلیس در نظر گرفته شود. در تحقیقات، مصاحبه با شاهدان، قربانیان مظنونین، جستجوی شخصی، جستجوی وسایل نقلیه و امکان و رهگیری مکاتبات و ارتباطات بایستی امنیت افراد حفظ شود و هر فرد حق دارد تا یک دادرسی عادلانه داشته باشد. تا اثبات جرم در یک دادگاه عادلانه، همه بیگناه فرض می شوند و هیچ کس در معرض دخالت خودسرانه در حریم خصوصی، خانواده، خانواده یا مکاتبات وی قرار نمی گیرد. هیچ کس نباید مورد حمله غیرقانونی روی خود یا شرف و عزت خود قرار گیرد. در تلاش برای بدست آوردن اطلاعات، هیچ گونه فشار جسمی یا روحی بر مظنونان، شاهدان یا قربانیان اعمال نشود. براساس استانداردهای حقوق بشر در بررسی های پلیسی، شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز کاملاً ممنوع می باشد. با قربانیان و شاهدان باید با دلسوزی و ملاحظه رفتار شود. و هیچ کس مجبور به اعتراف یا شهادت علیه خودش نمی باشد [۱۴].

در اساسنامه قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه براساس قانون مصوب جدید در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۰ که هدف آن تقویت فرض برائت بود و از ۱ ژانویه ۲۰۰۱ به اجرا در آمده است و در P.P.C ادغام شده است ۳ موضوع اصلی مورد بحث است:

۱- ضمانت هایی را برای مردم در زمانیکه در بازداشت هستند (حق سکوت، تماس فوری با وکیل، معاینه پزشکی احتمالی و تماس با خانواده) تقویت می کند. بررسی های پلیس بطور خیلی نزدیکتری توسط اداره

مدنی دقت شود، مشاهده می شود که یک سیری وجود دارد که در اکثر موارد اتلاف بالمباشره بدون نیاز به اثبات تقصیر، شخص ضامن است و در موارد تسبیب با اثبات تقصیر که خود نشانه ای بر رابطه سببیت است، ضامن شناسایی می شود [۱].

۲-۳. عوامل و فاکتورهای موثر بر مسئولیت مدنی پلیس در بررسی مسئولیت ناشی از انجام یک فعل در نظر گرفتن دو حالت متفاوت حائز اهمیت است: ۱- فعل زیان باری که توأم با تقصیر است و ۲- فعل زیان باری که بدون تقصیر است. در بررسی مسئولیت مدنی پلیس ناشی از ترک فعل و موارد مسئولیت ناشی از ترک فعل پلیس مدنظر قرار دادن موارد متعددی لازم می باشد از قبیل عدم حمایت پلیس از اشخاص در موارد لازم، عدم نظارت و کنترل بازداشت شدگان و ... [۱۳].

۳-۳. استانداردهای بین المللی حقوق بشر در خصوص مسئولیت های پلیس قانون حقوق بشر بین المللی با تمامی دولت ها و آژانس های آنها پیوند دارد. حقوق بشر یک موضوع قانونی برای حقوق بین الملل و نظارت بین المللی است. لذا اتخاذ سیاست های جامع حقوق بشر برای تمامی سازمانها ضروری است. استانداردهای حقوق بشر بایستی در داخل دستورهای پایدار (ثابت) پلیس گنجانده شود و آموزش های حقوق بشر برای تمامی پلیس، در بدو استخدام و بصورت دوره ای فراهم سازد. همچنین بایستی با سازمانهای ملی و بین المللی حقوق بشر مشارکت داشته باشند [۱۴].

براساس استانداردهای حقوق بشر، پلیس باید حفاظت از ایمنی جامعه و حقوق تمام افراد را فراهم سازد. پلیس باید یک ارگان مستقل اجرایی باشد و باید برای هدایت دادگاه ها مد نظر قرار بگیرد و مقید به دستورات آن ها باشد. هر آژانس (سازمان) اجرای قانون باید نماینده و پاسخگو باشد و در برابر کل جامعه پاسخگو باشد. تمام مقامات پلیس بخشی از جامعه هستند و وظیفه دارند تا به جامعه خدمت نمایند. اعضای پلیس باید اختیارات، وظایف و توان خود را بعنوان خدمتگزاران بی طرف عام جامعه و دولت وقت انجام دهند. هیچ یک از اعضای پلیس نباید به طور مستقیم در فعالیت های سیاسی مشارکت نماید. نباید به هیچ یک از اعضای پلیس

شود [۶]. رفتار آسیب دیده همواره جزء ارکان مسئولیت مدنی خواهد بود و مداخله آسیب دیده همیشه تقصیر نیست و در برخی موارد زیان آور تلقی می شود. در نظام حقوقی ایران و فرانسه نیز همین گونه است، یعنی بین مسئولیت با تقصیر و مسئولیت مطلق تفاوت قائل می شوند. در تمامی نظام های حقوقی به جز نظام حقوقی کامن لا، عدم مداخله زیان دیده به منظور کاهش یا به حداقل رساندن خسارت، نوعی زیان دیده محسوب می شود. زیان دیده زمانی مؤثر خواهد بود که ضرر به عنوان عنصر اصلی مسئولیت مدنی در نظر گرفته شود. اگر بین تقصیر زیان دیده و زیان رابطه سببیت وجود داشته باشد و همچنین تقصیری که از مجروح سرچشمه می گیرد و متضرر بر آن اثر نمی گذارد، یعنی شخص زیان دیده مرتکب تقصیر بر زیان نمی شود. بخشی از مصدوم در غیر این صورت مرتکب مجرم شناخته می شود [۲].

۳- ۵. بررسی عوامل قطع رابطه سببیت و رفع مسئولیت مدنی پلیس در پرداختن به مواردی که باعث رفع مسئولیت مدنی پلیس می شود توجه به عواملی که باعث قطع رابطه سببیت و در نتیجه رفع مسئولیت می شود از قبیل؛ قاعده تحذیر، اضطراب و پذیرش خطر توسط زیان دیده و همچنین مواردی که کیفیت فعل زیانبار موجب معافیت می شود (اعمال حاکمیت، اجرای دستورات قضایی اشتباه یا نادرست و ...) حایز اهمیت می باشد. نظر به وظایف متعدد و متنوعی که پلیس بر عهده دارد، لذا مسئولیت مدنی وی نسبت به مشاغل دیگر از تنوع گسترده تری برخوردار است. از این رو، بررسی شرایط مسئولیت مدنی وی و مبانی قانونی این مسئولیت حائز اهمیت فراوانی می باشد. اینکه ما پلیس را در همه حال از نظر مدنی مسئول اعمالی که انجام می دهد بدانیم، می تواند تالی فاسدی را با خود داشته باشد و راه سوءاستفاده برخی افراد را گشوده و نیز قدرت عمل را از پلیس در راستای انجام وظایفش سلب نماید. لذا بایستی بین انواع صور آن تمایز قائل شویم و مواردی را که خسارت ناشی از تقصیر خود زیان دیده می باشد از مواردی که پلیس مرتکب تقصیر یا تخلف می شود تفکیک نمائیم. همچنین ممکن است عمل زیان بار پلیس، نتیجه تقصیر خود زیان دیده باشد؛ همان امری که در رساله حاضر به صورت تطبیقی

دادستانی عمومی پایش می شود. قانون جدید همچنین قدرت صدور بازداشت موقت را از رئیس دادگستری سلب می کند و آن را به یک قاضی جدید بنام "قاضی آزادی ها و بازداشت" می دهد. قاضی جدید، پس از یک جلسه استماع ویژه به موضوع بازداشت، تصمیم می گیرد که آیا به عنوان یک مظنون تحت بازداشت در زیر نظر بگیرد یا نه. در این قانون آمده است که بازداشت موقت قبل از محاکمه باید یک استثنا باشد و مدت زمان بازداشت موقت را کوتاه می کند.

۲- تمامی تصمیماتی که برای جرائم سنگین توسط دادگاههای تجدید نظر صادر شده است می تواند قابل فرجام خواهی است و در صورت تجدید نظر خواهی توسط یک متهم محکوم علیه، دادرسی مجدد برگزار می شود. قبل از قانون جدید ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰، هیچ تجدیدنظری علیه احکام تصدیقی (تجارتی) دادگاه وجود نداشت. آنها برای یک بررسی قانونی توسط دادگاه عالی (دادگاه تجدید نظر) ارسال می شدند تنها در مورد سوالات قانونی، نه حقیقت.

۳- کلیه سوالات مربوط به آزادی مشروط و اجرای احکام حبس ارسال می شوند (بعد از ژوئن ۲۰۰۰) برای رویه قضایی (حضور وکیل، تشکیل جلسه دادرسی با ریاست یک قاضی اجرای احکام و یک حکم کتبی با درخواست تجدیدنظر احتمالی). تاکنون، این مقیاس ها در نظر گرفته شده اند برای داشتن یک ماهیت (ذات) کاملاً اداری و بنابراین خارج از حوزه هرگونه محافظت های قضایی.

حرف آخر که باید گفته شود درباره اهمیتی که در دادرسی فرانسه داده می شود به مفاد کنوانسیون اروپایی درباره حقوق بشر که در سال ۱۹۷۳ توسط فرانسه تصویب شد. این مقررات هم اکنون کاملاً یکپارچه شده اند در قوانین کیفری و توسط کلیه دادگاهها اعمال می شوند [۱۶، ۱۵].

۳- ۴. بررسی عوامل مؤثر بر تحمیل مسئولیت جبران خسارت بر اشخاص براساس مطالعات انجام گرفته، مشارکت زیان دیده در ضرر وارده به خود با تاثیر بر رکن رابطه سببیت باعث از هم گسستگی این رابطه و در نتیجه کاهش یا عدم مسئولیت مدنی پلیس در قبال خسارت وارده توسط او می

نقش فرد آسیب دیده می تواند به صورت یک رفتار آسیب دیده یا یک حالت آسیب دیده باشد. رفتار آسیب دیده به عنوان فعل یا ترک فعل مطرح می شود، در حالی که وضعیت آسیب دیده به عنوان تقصیر شخص آسیب دیده یا عدم تأثیر شخص آسیب دیده تعریف می شود و در اکثر نظام های حقوقی وضعیت آسیب دیده نقشی در کاهش مسئولیت مرتکب عمل زیانبار ندارد [۲].

براساس بررسی ها و مطالعات انجام شده، در نظام های حقوقی متعدد نقش زیان دیده در میزان مسئولیت ناشی از وقوع فعل زیانبار براساس دو قاعده تقصیر مشترک، تقصیر مقایسه ای و پذیرش خطر مورد ارزیابی قرار می گیرد. همچنین بسته به این که حوزه های قضایی براساس کدام یک از این دو قاعده (تقصیر مشترک یا مقایسه ای) کنند مسئولیت مدنی مامور پلیس متفاوت خواهد بود و خسارت به خواهان تعلق می گیرد یا نمی گیرد. عبارتی دیگر درحالتی که براساس نظر هیئت منصفه خواهان حداقل تقصیر و مامور پلیس حداکثر تقصیر را داشته باشد براساس تقصیر مشترک باشد خواهان هیچگونه خسارتی را دریافت نمی کند و مسئولیت مدنی نیز برعهده ی مامور پلیس نمی باشد ولی اگر حوزه ی قضایی براساس قاعده تقصیر مقایسه ای عمل نماید برعکس خواهد بود. براساس حقوق ایران، نقش تقصیر زیان دیده در معافیت یا تخفیف مسئولیت مدنی مامور، ملاک استناد عرفی است [۱۷]. نقش زیان دیده در مسئولیت مدنی پلیس در هر دو نظام حقوقی از جنبه ی هر دو قاعده تقصیر مشترک و تقصیر مقایسه ای مورد بحث قرار می گیرد. تقصیر مشترک عبارتست از انجام عملی از سوی زیان دیده (خواهان) به عنوان علت اصلی در ایجاد ضرر بر خود براساس قاعده تقصیر مشترک مامور پلیس با لحاظ معیار مراقبت در رفتار خود، به اندازه قصور زیان دیده در وقوع فعل زیانبار، از مسئولیت مدنی او تخفیف داده می شود [۶]. مفهوم تقصیر زیان دیده معمولاً عبارت است از عدم انجام مراقبت متعارف برای حفظ سلامت یا حفظ منافع خود از اموال و حقوق .... تقصیر زیان دیده ممکن است عمدی یا غیرعمد باشد همچنان که ممکن است به صورت فعل یا ترک فعل بروز کند [۲۰].

با نظام حقوقی فرانسه و ایران بررسی و شفاف سازی آن مد نظر می باشد [۱۶].

مبنای بررسی تقصیر زیان دیده در حقوق انگلستان، قاعده تقصیر مشترک است و در حقوق آمریکا بر اساس تقصیر مشترک و تقصیر مقایسه ای که مسئولیت مدنی ماموران به طور کامل رفع یا تخفیف داده می شود. در حقوق ایران، براساس نقش زیان دیده اعم از مباشر، سبب یا در حالت اجتماع سبب و مباشر وضعیت متفاوت است و ملاک تعیین مسئولیت، استناد عرفی می باشد و در حالت اجتماع سبب و مباشر، هریک از طرفین که فعل زیان بار به او استناد دارد ضامن بوده و اگر میزان تأثیر اقدام یکسان باشد طرفین به صورت مساوی و در صورت تفاوت در رفتار، مامور و زیان دیده براساس میزان تأثیر مسئولیت خواهند داشت [۱۷، ۱۸].

یکی از قواعد با ارزش و کاربردی در رفع مسئولیت، قاعده هشدار (تحدیر) هست. به موجب این قاعده، هرکس پیش از انجام کار زیان آور، هشدار و آگاهی بایسته جهت گریز از منطقه خطر را بدهد، در صورت عدم توجه هشدار گیرنده و ورود زیان به وی، هشداردهنده معاف از مسئولیت خواهد بود. مبنای رافعیت ضمان از عامل زیان نیز از جمله تقصیر متضرر، قاعده اقدام و اقوی بودن سبب از مباشر می توان قطع رابطه استناد عرفی را مبنای عدم مسئولیت هشداردهنده (عامل زیان) و بالطبع تحمیل تاوان زیان به مخاطب هشدار عنوان نمود. شرایط قاعده هشدار بر اساس تناسب هشدار با خطر، قانونی و روا بودن فعل هشداردهنده، تقدم هشدار بر ضرر، امکان درک و ترک خطر می باشد. دامنه هشدار در مسئولیت خارج از قرارداد به مراتب بیشتر از مسئولیت قراردادی است و مسئولیتی که در این جا مورد بحث است همان مسئولیت غیرقراردادی است. هر شخص حقیقی و حقوقی که ناگزیر به رعایت احتیاط و هشدار و آگاهاندن و گوشرد به دیگران باشد از جمله؛ نیروهای پلیس، با رعایت شرایط هشدار می توانند در برابر آسیب های وارده و مسئولیت مربوطه خودشان را مبری نمایند [۱۹].

۳-۵-۱. ارزیابی نقش زیان دیده در رفع مسئولیت مدنی براساس قواعد موجود

می‌کند. در هر دو نظام، ارکان ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت در تحقق مسئولیت مدنی نقش اساسی دارد، اما مبانی انتساب و نقش زیان‌دیده در کاهش یا رفع این مسئولیت، تفاوت‌های بنیادینی را رقم زده است. در نظام حقوقی ایران، مبتنی بر قواعد فقهی چون اتلاف، تسبیب، قاعده لاضرر و اقدام، مسئولیت مدنی بر اساس استناد عرفی و نوع دخالت زیان‌دیده سنجیده می‌شود. در حالی که در حقوق فرانسه، ضمن پذیرش مبنای تقصیر، قواعدی نظیر تقصیر مشترک و تقصیر مقایسه‌ای به عنوان ابزارهای تعیین سهم مسئولیت پذیرفته شده است. این مقایسه نشان داد که بهره‌گیری از معیارهای عرفی و عدالت‌محور در نظام حقوقی ایران می‌تواند ظرفیت انعطاف بیشتری را در مواجهه با پیچیدگی‌های روابط اجتماعی فراهم آورد و از سوی دیگر رعایت استانداردهای حقوق بشری و تدقیق در تعیین مسئولیت پلیس، ضمن حفظ اقتدار، مانع از سوءاستفاده و تضییع حقوق شهروندان گردد. بر این اساس، بازنگری در مقررات مسئولیت مدنی پلیس با رویکردی تطبیقی و متناسب با شرایط بومی و اصول حقوق بشری بین‌المللی، می‌تواند به ارتقاء نظام مسئولیت‌پذیری و تقویت اعتماد عمومی نسبت به عملکرد پلیس بینجامد.

۳-۵-۲. سایر علل و فاکتورهای تاثیرگذار بر قطع رابطه سببیت مشکل این است که هر گاه زیان دیده در وقوع خسارت بر خود دچار تقصیری شده باشد و تقصیر او مؤثر باشد یا در وقوع خسارت نقش داشته باشد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که این امر چه تأثیری در مسئولیت مرتکب عمل زیان‌بار دارد؟ و آیا تقصیر مصدوم، او را از غرامت کامل محروم می‌کند؟ یا منجر به تقسیم مسئولیت‌ها می‌شود؟ در حقوق ایران و فرانسه موجب محرومیت (سلب) کامل زیان دیده از غرامت نمی‌شود و همچنین موجب بی‌مسئولیتی مرتکب خسارت نمی‌شود، بلکه از مسئولیت مرتکب عمل زیان آور نیز می‌کاهد. ، به طوری که در حقوق ایران مرتکب فعل زیان آور و زیان دیده به طور مساوی در وقوع خسارت سهیم هستند اما در حقوق فرانسه میزان تأثیر هر یک از علل در وقوع خسارت ملاک است [۲].

#### ۴. نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش، روشن شد که مسئولیت مدنی پلیس به‌عنوان یکی از نهادهای ضامن نظم و امنیت عمومی، در نظام حقوقی ایران و فرانسه از چارچوب‌های خاص و در عین حال متفاوتی پیروی

منابع

jcl.۲۰۱۸.۲۵۷۴۲۵.۶۳۳۶۶۸/۱۰.۲۲۰۵۹

11. Soleimani-Alyar, L., Rezapour, B. & Eslami, M. A. (۲۰۲۴). comparative study of the victim's fault in civil liability of the police in Iranian and French law. *Discov glob soc* ۲, ۲۰. <https://doi.org/10.1007/s44282-024-00041-z> (۲۰۲۴).

12. انصاری، علی، و مبین، حجت. (۱۳۹۰). نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسوولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه. پژوهش های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی)، ۱۱(۷۱)، ۱-۲۱. SID <https://sid.ir/paper/479826/fa>

13. عباسلو، بختیار. (۱۳۸۹). مسوولیت مدنی ضابطین دادگستری. دانش انتظامی، ۱۲(۲) (مسلسل ۴۷)، ۸۷-۱۳۰. SID <https://sid.ir/paper/100523/fa>

14. Nations Unies. Haut Commissariat aux droits de l'homme & United Nations. Office of the High Commissioner for Human Rights (۲۰۰۴), *Human Rights Standards and Practice for the Police: Expanded Pocket Book on Human Rights for the Police* (Vol. ۵). United Nations Publications

15. Aromaa, K., Heiskanen, M. (۲۰۰۸), *Criminal Justice Systems in Europe and North America ۱۹۹۵-۲۰۰۴ FRANCE*, European Institute for Crime Prevention and Control, affiliated with the United Nations (HEUNI), book Helsinki Finland

16. سلیمانی علیار، لیلا، رضاپور، بابک و اسلامی، میثم. (۱۴۰۲). بررسی کاربردپذیری قاعده قابلیت انتساب در مسوولیت مدنی پلیس، نشریه دانش انتظامی آذربایجان غربی، پیاپی ۶۰، صص ۴۶-۳۶.

17. خوئینی، غفور و بیرانوند، رضا. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی تقصیر زیان دیده در رفع مسوولیت مدنی پلیس، فصلنامه پژوهش های دانش انتظامی، سال ۱۷.

18. Amini, M., & Enayattabar, R. (۲۰۱۸). *Comparative Study of Civil Liability: Indirect Cause and the Direct Cause in Iran Law and Intervening Factor in England Law*. *Comparative Law Review*, ۹(۱), ۱-۲۳.

19. اکبری، پرویز و عربیان اصغر. (۱۳۹۹). بررسی دامنه قاعده تحذیر (هشدار)

. سعادت مصطفوی، سیدمصطفی و پایکاری محمدجواد. (۱۳۹۶). نگرشی جدید به مبانی مسوولیت مدنی در حقوق ایران و فقه امامیه. آموزه های حقوقی گواه، شماره ۴ صص ۱۸۵-۱۶۱.

2. Amouzadrad, Z. (۲۰۲۲). The role of injured person's fault in compensation for traffic accidents in Iranian and french civil law. *CIFILE Journal of International Law*, ۳(۵), ۱۹-۳۰.

3. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب اله. (۱۳۹۴). مسوولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، انتشارات سمت، ص ۶۱.

4. حاجی نوری، غلامرضا. (۱۳۸۹). مطالعه ی تطبیقی رهیافت های سببیت در مسوولیت مدنی، نشریه علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال ۱، شماره ۱، صص ۸۹-۶۱.

5. کاظمی، محمود. (۱۴۰۱). اثر فعل زیان دیده بر مسوولیت مدنی عامل زیان. فصلنامه دیدگاه های حقوق قضائی، ۱۷(۵۷)، ۷۹-۱۰۴.

6. رحیمی، حبیب اله و خیاطی گرگری، ماهدیس. (۱۳۹۵). نقش زیان دیده در مسوولیت مدنی پلیس (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ۵، شماره ۱۷.

7. شعبانی کندسری، هادی و رستمی، هادی (۱۳۹۵). احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی (با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، پژوهش حقوق کیفری، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۱۷۱-۱۴۳.

8. Vaughn, M. S. (۱۹۹۴). Police civil liability for abandonment in high crime areas and other high risk situations, *Journal of Criminal Justice*, Volume ۲۲, Issue ۵. Pages ۴۰۷-۴۲۴.

9. Lee, H., & Vaughn, M. S. (۲۰۱۰). Organizational factors that contribute to police deadly force liability. *Journal of Criminal Justice*, ۳۸(۲), ۱۹۳-۲۰۶.

10. Jalali, M. and Kamyab, M. (۲۰۱۸). An Introduction to the Notion of Administrative Police in Iran, with a Comparative Approach to the French Law. *Comparative Law Review*, ۹(۱), ۶۷-۸۶. doi

در حقوق موضوعه، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲۵ صفحه ۹-۳۴.  
۲۰. هاشم زاده، سید احمد (۱۳۹۲)، نقش تقصیر زیان‌دیده در جرایم رانندگی،  
پژوهش در تاریخ، شماره ۴، ص ۷۹-۶۱.